

بررسی نقش یادگیری اجتماعی و عرفی در تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران

نگار آرازشی^۱، عبدالله قاسمی^{۲*}، مهدی نمازی زاده^۳، ابراهیم صادقی دمنه^۴

۱- دانشجوی مقطع دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران.

۳- دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، اصفهان، ایران.

۴- استادیار مرکز تحقیقات اسکلتی - عضلانی دانشکده علوم توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش یادگیری اجتماعی و عرفی در تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران شهر تهران انجام شده است. روش این پژوهش کمی و به شیوه پیمایشی انجام شده است. نمونه پژوهش شامل ۶۷ نفر از هیپ‌هاپ کاران هستند که به صورت نمونه گیری گلوله برفی در شهر تهران انتخاب شده‌اند. نتایج آماری این بررسی کمی نشان داد که یادگیری از راه مشاهده، یادگیری از راه تقلید، یادگیری از راه الگوبرداری، یادگیری از راه رسانه‌ها و یادگیری از راه عرف اجتماعی بر تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران تاثیر دارد. بنابراین هیپ‌هاپ و موسیقی آن در ایران به واسطه یادگیری اجتماعی و عرفی جوانان ایران نیز باعث ایجاد تغییرات الگوهای حرکتی شده است.

واژه‌های کلیدی: یادگیری، مشاهده، تقلید، الگوبرداری، رسانه‌ها عرف اجتماعی،

تغییرات الگوهای حرکتی.

مقدمه و بیان مسأله

یادگیری اساس رفتار آدمی است و انسان با یادگیری در جامعه رشد و پیشرفت می‌کند و اکثر رفتارهای آدمی حاصل یادگیری است. انسان از طریق یادگیری روی محیط خود تاثیر می‌گذارد و از آن تاثیر می‌پذیرد (قلی‌پور، ۱۳۷۶: ۶۹). فرآیند یادگیری از آغاز تولد انسان شروع می‌شود و تا پایان عمر او ادامه دارد و ساحت‌های فراوانی از یاد گرفتن، سخن گفتن تا رفتار اجتماعی و پرورش عقلانی، عاطفی و روحی و اخلاقی و ... را شامل می‌شود. یادگیری اجتماعی، فرآیندی است که طی آن، رفتارها - خوب و بد، بهنجار و نابهنجار - آموخته می‌شوند. دانشمندان و اندیشمندان حوزه یادگیری سه عامل شناختی، انگیزشی و ژنتیکی را در فرایند یادگیری موثر می‌دانند. در یادگیری شناختی فرد از طریق اجتماعی و زندگی در گروه‌های اجتماعی فرایند یادگیری را می‌آموزد و به دلیل نیازهایی که دارد، انگیزش او برای یادگیری بیشتر می‌شود، در نهایت برخی مولفه‌های یادگیری ریشه در مسایل غریزی و ژنتیکی فرد دارند. یادگیری اجتماعی در همه ابعاد زندگی ساری و جاری است.

یکی از مهمترین جنبه‌های یادگیری که هم زمینه ژنتیکی و هم زمینه اجتماعی و فرهنگی دارد، یادگیری حرکات هماهنگ است. حرکات هماهنگ، دامنه وسیعی از مهارت‌های روزانه و ورزشی را در بر می‌گیرد و درحقیقت، لازمه اجرای هر مهارتی، هماهنگ کردن اجزای متعدد حرکت در حالات مختلف است. عنوان شده است که هماهنگی از ویژگی‌های الزامی و گریزناپذیر حرکت است (بک^۱ و همکاران، ۱۹۹۵: ۵۷۳). برخی از مهارت‌ها از قبیل راه‌رفتن، دویدن و حرکات نمایشی در ایروبیک، نیازمند هماهنگی عضلات اندام‌های تحتانی و تنه هستند و در مهارت‌هایی مانند دراز کردن دست برای برداشتن یک مداد، نواختن گیتار و تایپ با صفحه کلید رایانه، ایجاد هماهنگی بیشتر به عضلات بازوها، دست‌ها و انگشتان معطوف می‌شود (اسونین^۲ و همکاران، ۲۰۰۰: ۱۸؛ روزنباوم^۳ و همکاران، ۲۰۰۶: ۶۷). همچنین تمایل سیستم عصبی مرکزی جهت هماهنگ شدن دو اندام خواست عصبی ای است که موسیقی‌دانان و ورزشکاران در زندگی روزمره شان با آن سروکار دارند و برای موفق شدن با آن دست و

پنجه نرم می‌کنند. قابلیت افراد برای اجرای حرکات هماهنگ در یک سمت بدن با ایجاد هماهنگی در اندام‌های دو عضوی متفاوت است. مطالعات قبلی نشان داده‌اند وقتی دو عضو به صورت آینه‌ای و متقارن حرکت می‌کنند، تکالیف دو عضوی هماهنگ، با استواری اجرا می‌شوند (۱۷-۱۴، ۵). از سوی دیگر، بخش قابل توجهی از این فعالیت‌های روزمره انسان از جمله راه رفتن، نفس کشیدن و جویدن، به‌طور ذاتی ریتمیک بوده و اجرای آن‌ها نیازمند فراهم شدن هماهنگی‌های پیچیده ریتمیک است (دسینگ^۱ و همکاران، ۲۰۰۷: ۳۹).

برخی از مهمترین الگوهای حرکتی را می‌توان در گروه‌های موسیقایی از جمله موسیقی هیپ‌هاپ دید. موسیقی هیپ‌هاپ از دو بخش اصلی رپ (..) و .. (ترکیب صدا و اسکرچ) تشکیل شده است. این موارد به همراه رقص برک و گرافیتی (یا دیوارنویسی) چهار بخش هیپ‌هاپ، یک نهضت فرهنگی که توسط جوانان شهری به خصوص توسط سیاهان آمریکا ایجاد شد، را تشکیل می‌دهد (مک‌ماهون^۲، ۲۰۰۷: ۶۳).

موسیقی هیپ‌هاپ، عموماً از یک یا چند خواننده رپ که داستان‌های شبه خود زندگی‌نامه تعریف می‌کنند، تشکیل شده است. این داستان‌ها اغلب مربوط به یک همتای خیالی، و به صورت اشعار بسیار ریتمیک پر از تکنیک‌هایی همچون همگونی مصوت‌ها، تجانس آوایی و حرکات هماهنگ است. موسیقی هیپ‌هاپ تا آغاز دهه ۲۰۰۰، در صدر فهرست موسیقی‌های محبوب قرار گرفت و به سبک‌های مختلف در گوشه و کنار جهان نواخته می‌شد.

از طرفی نیز، هیپ‌هاپ یک جنبش فرهنگی است که موسیقی بخشی از آن است. جدای از محبوبیت بسیار هیپ‌هاپ، این ژانر از موسیقی تأثیر چشمگیری بر اکثر انواع موسیقی مردمی داشت و با هنر برخی از هنرمندان درهم آمیخته شده است (ویکی‌پدیا، ۲۰۱۶). حتی این سبک موسیقی به ابزاری برای انجام حرکات ورزشی ریتمیک تبدیل شده است. موسیقی هیپ‌هاپ قسمتی از یک نهضت فرهنگی به نام هیپ‌هاپ است که شامل عناصری مانند رقص برک و هنر دیوارنویسی به همراه فهرست مرتبطی از زبان عامیانه در موسیقی هیپ‌هاپ،

مدهای هیپ هاپ و دیگر عناصر است. محبوبیت موسیقی به محبوبیت فرهنگ هیپ هاپ در ایالات متحده و دیگر کشورها کمک کرد.

موفقیت چشمگیر هیپ هاپ اثرات اجتماعی بسیاری نیز در طرز رفتار جوان مدرن داشته است. رفتارهای خودخواهانه‌ای که معمولاً در غزلیات و آثار ویدیویی برخی از هنرمندان هیپ هاپ نمایش داده شده است، بارها اثراتی منفی بر برخی از طرفداران ایده آلیست آنها داشته است، چنین جوانانی اغلب نقاب شخصیتی یک گانگستر را دارند؛ در حالی که عضو هیچ گروه تبهکاری نیستند. اغلب چنین نقاب های شخصیتی موجب رفتارهای غیر اجتماعی مانند کناره گیری از دوستان، بی توجهی به تحصیلات، عدم پذیرش قدرت ها و انجام جرم های کوچک مانند خرابکاری می شود. در حالی که اغلب شنوندگان می توانند نکات داستان های مربوط به رفتار اجتماعی را تشخیص دهند، یک گونه فرهنگ فرعی در میان جوانان ایجاد شده است (نلسون^۱، ۲۰۰۶: ۷).

در بسیاری از محافل موسیقایی هیپ هاپ از وجهه بدی برخوردار است. بسیاری بر این باورند که این موسیقی در بر گیرنده الفاظ مستهجن، خشن، ضد سفید پوست و توهین آمیز نسبت به زنان است. علاوه بر این در این سبک از حرکات ریتمیک و موسیقی حرکات زننده‌ای وجود دارد که بار معنایی بسیار بدی دارند (هالادی، ۲۰۰۶: ۱۹۳). هیپ هاپ در ایران در دهه ۹۰ میلادی متولد شد و جوانان ایرانی ابتدا با رقص هیپ هاپ آشنا شدن و سپس با موسیقی آن و بعد کم کم نقاشی گرافیتی نیز در ایران دیده شد، اما پر رونق ترین بخش هیپ هاپ در ایران هیپ هاپ سرایی است و در همان ابتدا سعی کردند این موسیقی را با فرهنگ ایرانی نزدیک کنند. محصول این تلاش تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ هاپ کاران ایرانی است که به لحاظ پذیرش اجتماعی آن بسیار متفاوت از سبک غربی آن است. عوامل متعددی بر این تغییرات الگو تاثیر داشته اند که می توان به سبک های جامعه پذیری، فرهنگ، عرف و رسانه ها اشاره کرد. بنابراین هدف اصلی این پژوهش بررسی نقش یادگیری اجتماعی و عرفی در تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ هاپ کاران است.

ادبیات و مبانی نظری

تأثیر رسانه های جمعی در زندگی روزانه شهروندان، محدود به تقویت یا تغییر نگرش ها و رفتارها نیست، بلکه می تواند منجر به کسب ارزش ها و نگرش ها و الگوهای رفتاری شود که از آن به آثار اجتماعی رسانه ها تعبیر می کنند. یکی از نظریه های مربوط به آثار اجتماعی رسانه ها، نظریه یادگیری اجتماعی آلبرت باندورا (۱۹۸۶) است که به طور ویژه با ارتباط جمعی در ارتباط است. بر اساس این نظریه، انسان ها بیشتر آن چه را که برای راهنمایی و عمل در زندگی نیاز دارند، صرفاً از تجربه و مشاهده مستقیم یاد نمی گیرند، بلکه عمده آن ها به طور غیرمستقیم و به ویژه از طریق رسانه های جمعی آموخته می شود (مک کوایل، ۲۰۰۶: ۴۹۳). ادعای اصلی باندورا این است که بیشتر رفتارهای آدمی به صورت مشاهده رفتار دیگران و از طریق الگوبرداری یاد گرفته می شود (مهدی زاده، ۱۳۸۹: ۵۶). بندورا معتقد بود غالب رفتارهای انسان از طریق مشاهده و در طول فرآیند الگوسازی آموخته می شود، بنابراین نظریه یادگیری از راه مشاهده^۱، تقلید^۲ و الگوبرداری^۳ انجام می شود و به عامل تقویتی نیازی ندارد. به عقیده بندورا، یادگیرنده باید بر توجه و علاقه، توانایی تقلید و الگوبرداری را دارا باشد. یادگیری اجتماعی، بنا بر مشاهده و تقلید، به طور ناخودآگاه در بسیاری از افراد به صورت مثبت و منفی انجام می گیرد و پیامدهای ثمربخش، یا زیان بار خود را به دنبال خواهد داشت (پارسا، ۱۳۸۳: ۲۱۷). بندورا بر اساس پژوهش های گسترده نتیجه گرفت که اغلب رفتارها - خوب و بد، بهنجار و نابهنجار - با تقلید کردن از رفتار دیگران آموخته می شوند. از نظر او افرادی که از هنجارهای فرهنگی منحرف می شوند، رفتار خود را مانند هر کس دیگری آموخته اند. تفاوت در این است که افراد منحرف از الگوهای پیروی کرده اند که باقی افراد جامعه آن ها را نامطلوب می دانند (کدیور، ۱۳۸۵: ۱۲۸).

نظریه یادگیری اجتماعی معتقد است که فرد از طریق مطالعه و مشاهده نمونه های رسانه ای، رفتارهای مناسب را فرا می گیرد، یعنی در واقع می فهمد کدام دسته از رفتارها پاداش می گیرند و کدام یک کیفر می بینند. از این طریق، مخاطبان می کوشند در زندگی واقعی پاداش بگیرند

و بنابراین به تقلید و الگوبرداری از نمونه های رسانه ای گرایش پیدا می کنند. (دایتون و زلی، ۲۰۰۵:۲۰۶).

همچنین رسانه های جمعی به خصوص رسانه های تصویری، منبع اصلی یادگیری اجتماعی هستند. به اعتقاد باندورا رسانه ها اگر چه تنها منبع یادگیری اجتماعی نیستند و نفوذ و تأثیرشان به دیگر منابع یادگیری یعنی والدین، دوستان و معلمان وابسته است، ولی روی مردم تأثیر مستقیم دارند و این تأثیرگذاری به میانجی نفوذ شخصی یا شبکه های اجتماعی صورت نمی گیرد (باندورا، ۲۰۰۲:۱۴۰).

نظریه یادگیری اجتماعی در مورد اثر جامعه پذیری رسانه ها و نیز اقتباس الگوهای متعدد کنش توسط مخاطبان کاربرد دارد. نقش جامعه پذیری رسانه ها به این معناست که رسانه ها ارزش ها و هنجارهای مقبول و جا افتاده اجتماعی را از رهگذر پاداش و تنبیه نمادین برای انواع متفاوت رفتار به مردم یاد می دهند. جامعه پذیری فرایندی است که طی آن فرد می آموزد تا عضو یک جامعه و فرهنگ خاص شود و به این ترتیب به موجودی واقعاً اجتماعی و فرهنگی بدل گردد. به عبارتی، جامعه پذیری فرایند توسعه احساس پیوستگی فرد با جهان بزرگ تر اجتماعی از طریق یادگیری و درونی سازی ارزش ها، باورها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی است. رسانه ها در کنار دیگر نهادهای جامعه پذیری مانند خانواده و مدرسه، مهمترین نهاد جامعه پذیری در جهان رسانه ای شده امروز هستند.

از نظر جامعه شناسان، جامعه پذیری غالباً در دو مرحله کلی رخ می دهد که هر یک شامل عوامل و کارگزاران متفاوت جامعه پذیری است. کارگزاران جامعه پذیری اولیه عبارت اند از گروه یا زمینه های اجتماعی که فرایندهای مهم جامعه پذیری در آن ها به وقوع می پیوندد. جامعه پذیری اولیه در طفولیت و کودکی رخ می دهد و فشرده ترین دوره یادگیری فرهنگی است. در همین ایام است که کودکان، زبان و الگوهای اساسی رفتار را می آموزند که پایه و اساس آموزش های بعدی قرار می گیرد. خانواده اصلی ترین کارگزار جامعه پذیری در این مرحله است. جامعه پذیری ثانویه در مراحل بعدی کودکی و تا بلوغ رخ می دهد. در این مرحله، سایر کارگزاران جامعه پذیری بخشی از مسئولیت های خانواده را برعهده می گیرند. مدارس، گروه های همسالان، سازمان ها و رسانه ها از عوامل جامعه پذیری افراد به شمار می

آیند. کنش‌های متقابل اجتماعی در این محیط‌ها به مردم کمک می‌کند تا ارزش‌ها، هنجارها و عقایدی را بیاموزند که الگوهای فرهنگ آنها را تشکیل می‌دهد (گیدنز، ۱۳۸۶: ۴۴). بر این اساس برخی از تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران را می‌توان در ایران بر اساس نظریات یادگیری تبیین کرد.

فرضیات پژوهش

- یادگیری از راه مشاهده، بر تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران تاثیر دارد.
- یادگیری از راه تقلید، بر تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران تاثیر دارد.
- یادگیری از راه الگوبرداری بر تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران تاثیر دارد.
- یادگیری از راه رسانه‌ها بر تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران تاثیر دارد.
- یادگیری از راه عرف اجتماعی بر تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران تاثیر دارد.

روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد کمی و به شیوه پیمایشی انجام شده است. در این روش ضمن به کارگیری ادبیات نظری موجود، متغیرهای اصلی پژوهش شاخص‌سازی شده و در پرسشنامه محقق ساخته گویه‌ها در طیف ۵ تایی لیکرت از پاسخگویان پرسش شده است. نمونه پژوهش شامل ۶۷ نفر از هیپ‌هاپ کاران هستند که به صورت نمونه‌گیری گلوله برفی در شهر تهران انتخاب شده‌اند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده و داده‌های گردآوری شده به کمک نرم افزار تحلیل شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های استنباطی

۱- یادگیری از راه مشاهده، بر تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران تاثیر دارد.

جدول (۱) ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین یادگیری از راه مشاهده و تغییرات

الگوهای حرکتی

ضریب همبستگی	جامعه آماری .	برآورد
$\dots = 0/399$	$\dots = 67$	$\dots = 0/001$

با توجه به اعداد به دست آمده؛ یعنی سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ($\dots = 0/001$) و ضریب همبستگی پیرسون مثبت ($\dots = 0/399$) می‌توان این نتیجه گرفت که رابطه مستقیم و معنی‌داری بین یادگیری از راه مشاهده و تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران وجود دارد. به عبارت دیگر هرچقدر یادگیری از راه مشاهده بیشتر باشد، میزان تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران بیشتر خواهد بود.

۲- یادگیری از راه تقلید بر تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران تاثیر دارد.

جدول (۲) ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین یادگیری از راه تقلید و تغییرات

الگوهای حرکتی

ضریب همبستگی	جامعه آماری .	برآورد
$\dots = 0/548$	$\dots = 67$	$\dots = 0/000$

با توجه به اعداد به دست آمده؛ یعنی سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ($\dots = 0/000$) و ضریب همبستگی پیرسون مثبت ($\dots = 0/548$) می‌توان این نتیجه گرفت که رابطه مستقیم و معنی‌داری بین یادگیری از راه تقلید و تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران وجود دارد.

دارد. به عبارت دیگر هرچقدر یادگیری از راه تقلید بیشتر باشد، میزان تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران بیشتر خواهد بود.

۳- یادگیری از راه الگوبرداری بر تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران تاثیر دارد.

جدول (۳) ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین یادگیری از راه الگوبرداری و تغییرات

الگوهای حرکتی

برآورد	جامعه آماری .	ضریب همبستگی
... = ۰/۰۰۰	.. = ۶۷	. = ۰/۶۶۹

با توجه به اعداد به دست آمده؛ یعنی سطح معناداری کمتر از ۵ درصد (۰/۰۰۰ = ...) و ضریب همبستگی پیرسون مثبت (۰/۶۶۹ = ...) می‌توان این نتیجه گرفت که رابطه مستقیم و معنی‌داری بین یادگیری از راه الگوبرداری و تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران وجود دارد. به عبارت دیگر هرچقدر یادگیری از راه الگوبرداری بیشتر باشد، میزان تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران بیشتر خواهد بود.

۴- یادگیری از راه رسانه‌ها بر تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران تاثیر دارد.

جدول (۴) ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین یادگیری از راه رسانه‌ها و تغییرات

الگوهای حرکتی

برآورد	جامعه آماری .	ضریب همبستگی
... = ۰/۰۴۳	.. = ۶۷	. = ۰/۱۷۷

با توجه به اعداد به دست آمده؛ یعنی سطح معناداری کمتر از ۵ درصد (۰/۰۴۳ = ...) و ضریب همبستگی پیرسون مثبت (۰/۱۷۷ = ...) می‌توان این نتیجه گرفت که رابطه مستقیم و معنی‌داری بین یادگیری از راه رسانه‌ها و تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران وجود

دارد. به عبارت دیگر هرچقدر یادگیری از راه رسانه‌ها بیشتر باشد، میزان تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران بیشتر خواهد بود.

۵- یادگیری از راه عرف اجتماعی بر تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران تاثیر دارد.
جدول (۵) ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین یادگیری از راه عرف اجتماعی و

تغییرات الگوهای حرکتی

ضریب همبستگی	جامعه آماری .	برآورد
.=۰/۵۱۰	. . =۶۷	... =۰/۰۰۰

با توجه به اعداد به دست آمده؛ یعنی سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ($\dots = 0/000$) و ضریب همبستگی پیرسون مثبت ($\dots = 0/510$) می‌توان این نتیجه گرفت که رابطه مستقیم و معنی‌داری بین یادگیری از راه عرف اجتماعی و تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران وجود دارد. به عبارت دیگر هرچقدر یادگیری از راه عرف اجتماعی بیشتر باشد، میزان تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران بیشتر خواهد بود.

بحث و نتیجه‌گیری

یادگیری بخش مهمی از زندگی انسان بوده و از آغاز تولد انسان شروع می‌شود و تا پایان عمر او ادامه دارد. یادگیری هم می‌تواند غریزی و هم می‌تواند اجتماعی باشد. در فرایند یادگیری اجتماعی فرد رفتارها، هنجارها و ارزش‌ها را یاد می‌گیرد. یکی از مهمترین جنبه‌های یادگیری که هم زمینه ژنتیکی و هم زمینه اجتماعی و فرهنگی دارد، یادگیری حرکات هماهنگ است. حرکات هماهنگ، دامنه وسیعی از مهارت‌های روزانه و ورزشی را در بر می‌گیرد و در حقیقت، لازمه اجرای هر مهارتی، هماهنگ کردن اجزای متعدد حرکت در حالات مختلف است. یکی از مهارت‌های هماهنگ در هیپ‌هاپ کاران وجود دارد. در بسیاری از محافل موسیقایی هیپ‌هاپ از وجه بدی برخوردار است. بسیاری بر این باورند که این موسیقی در برگیرنده الفاظ مستهجن، خشن، ضد سفید پوست و توهین آمیز نسبت به زنان

است و علاوه بر این در این سبک از حرکات ریتمیک و موسیقی حرکات زنده‌ای وجود دارد که بار معنایی بسیار بدی دارند. این سبک از موسیقی در غرب و خاستگاه اصلی‌اش تفاوت عمده‌ای با سایر مناطق دارد و حتی سبک‌های حرکتی متفاوتی نیز در آن مشاهده می‌شود. پر رونق‌ترین بخش هیپ‌هاپ در ایران هیپ‌هاپ سرایی است و در همان ابتدا سعی کردند این موسیقی را با فرهنگ ایرانی نزدیک کنند. محصول این تلاش تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران ایرانی است که به لحاظ پذیرش اجتماعی آن بسیار متفاوت از سبک غربی آن است. عوامل متعددی بر این تغییرات الگو تاثیر داشته‌اند که می‌توان به سبک‌های جامعه‌پذیری، فرهنگ، عرف و رسانه‌ها اشاره کرد. نتایج آماری این بررسی کمی نشان داد که یادگیری از راه مشاهده، یادگیری از راه تقلید، یادگیری از راه الگوبرداری، یادگیری از راه رسانه‌ها و یادگیری از راه عرف اجتماعی بر تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران تاثیر دارد. چرا که با توجه به اعداد به دست آمده و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد برای همه فرضیات و ضریب همبستگی پیرسون مثبت می‌توان این نتیجه گرفت که رابطه مستقیم و معنی‌داری بین یادگیری از راه مشاهده، یادگیری از راه تقلید، یادگیری از راه الگوبرداری، یادگیری از راه رسانه‌ها و یادگیری از راه عرف اجتماعی و تغییرات الگوهای حرکتی در هیپ‌هاپ کاران وجود دارد. بنابراین هیپ‌هاپ و موسیقی آن در ایران به واسطه یادگیری اجتماعی و عرفی جوانان ایران نیز باعث ایجاد تغییرات الگوهای حرکتی شده است. در این راستا رسانه‌ها اغلب به عنوان پلی بین زندگی شخصی و جهان اجتماعی عمل می‌کنند و عاملی قدرتمند در جامعه‌پذیری افراد هستند و افراد جایگاه خود را در جامعه را از طریق رسانه‌ها فهم می‌کنند. برخی نظریه پردازان، دو جنبه متفاوت جامعه‌پذیری رسانه‌ها اشاره می‌کنند. اول نظریه الگوبرداری است که طی آن مخاطبان، الگوهای رفتاری به نمایش درآمده در رسانه‌ها را جالب و قابل تقلید تشخیص می‌دهند و دومین جنبه جامعه‌پذیری وسیع‌تر است و برخلاف الگوبرداری قبلی که متوجه رفتار فردی است، نوعی رفتار اجتماعی است و الگوهایی را برای رفتار فرد در یک گروه اجتماعی ارائه می‌دهد. از طرفی دیگر مشاهده و تقلید، ساز و کار شناختی دیگری است که بر تشکیل نگرش‌های افراد مؤثر است و بسیاری از هیپ‌هاپ کاران از این الگو متاثرند.

منابع

- ۱- آذربایجانی، مسعود و دیگران؛ (۱۳۸۷). روان‌شناسی اجتماعی (بانگرس به منابع اسلامی)، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۸۷، چاپ سوم، ص ۱۴۸-۱۴۷ و سلیمی، علی و داوری، محمد؛ جامعه‌شناسی کجروی، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم، ص ۴۰۳ .
- ۲- آریان‌پور، منوچهر (۱۳۸۵). فرهنگ انگلیسی به فارسی، تهران، جهان‌رایانه، چاپ ششم، ج ۱، ص ۱۲۹۴ و ۲۱۱۹ .
- ۳- آقاییوسفی، علیرضا و دیگران؛ (۱۳۸۶). روان‌شناسی عمومی، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول .
- ۴- ارونسون، الیوت؛ (۱۳۸۹). روان‌شناسی اجتماعی، حسین شکرکن، تهران، رشد، ویرایش هشتم .
- ۵- پارسا، محمد؛ (۱۳۸۳). زمینه نوین روان‌شناسی، تهران، بعثت، چاپ بیستم .
- ۶- شارع‌پور، محمود؛ (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران، سمت، چاپ هشتم .
- ۷- شولتز، دوان و شولتز، سیدنی ال؛ (۱۳۸۹). نظریه‌های شخصیت، یحیی سیدمحمدی، تهران، ویرایش، چاپ هفدهم.
- ۸- قلی‌پور فرض‌الله، (۱۳۷۶). کلیات روان‌شناسی، تهران، برگزیده، چاپ اول، ج ۲، ص ۶۹ .
- ۹- کدیور، پروین؛ (۱۳۸۵) روان‌شناسی تربیتی، تهران، سمت، چاپ نهم .
- ۱۰- کوئن، بروس؛ (۱۳۸۸). مبانی جامعه‌شناسی، غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت، چاپ بیست و دوم .
- ۱۱- گیدنز، آنتونی؛ (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی، منوچهر صبوری، تهران، نی، چاپ چهارم.
- ۱۲- مهدی زاده، سید محمد، (۱۳۸۹)؛ نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی، تهران: نشر همشهری، چاپ اول ۱۳۸۹ ..
- ۱۳- نیکزاد، محمود؛ (۱۳۷۹). اصول مشاوره گروهی، تهران، کیهان، چاپ اول .
- ۱۴- هالادی، ران. (۲۰۰۶). «انقلاب بزرگ رب-هیپ هاپ در جامعه سفید پوستان». دس مونز، آیووا: انتشارات مونارک.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی